

حکمت گونه‌گونی روزی‌ها از دیدگاه قرآن

* مهدی عبداللهی پور

** محمدعلی مهدوی‌راد

چکیده

یکی از مهم‌ترین نیازهای آدمی، رزق و روزی است و ادامه زندگی بدون برآورده شدن این نیاز امکان‌پذیر نیست. خداوند عهده‌دار روزی‌رسانی شده و در قرآن کریم به تضمین روزی‌ها وعده داده است؛ ازسوی دیگر، درنگ در زندگی انسان‌ها این حقیقت را آشکار می‌سازد که گونه‌ای نابرابری در میزان بهره‌مندی از روزی میان آنها وجود دارد. ناشناخته‌ماندن فلسفه وجودی این امر، شبهه‌هایی را ایجاد کرده و باعث لرزش پایه‌های ایمان به عدل الهی در این گروه شده است. از آنجاکه پرداختن به این مسئله بدون بررسی پیوند این تفاوت‌ها با عدالت الهی نافرجام خواهد ماند، در این نوشتار افزون بر بیان مفهوم رزق و ارائه تفسیر صحیح از وعده تکفل روزی‌ها، فلسفه گونه‌گونی روزی‌ها و سازگاری این مقوله با عدالت الهی بررسی شده می‌شود.

واژگان کلیدی

رزق، تفاوت، عدالت، حکمت، مصلحت، قرآن کریم.

*. دانش‌آموخته دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه علوم قرآن و حدیث، تهران، ایران.

Abdollahipour@yahoo.com

mahdavirad@isca.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۲/۲۰

** دانشیار دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۱۷

طرح مسئله

هرگاه سخن از «انسان» به میان می‌آید، «نیازمندی‌های او» از نخستین مسائلی است که از ذهن می‌گذرد. در میان گستره نیازهای بشری، شماری اهمیت ویژه دارند و برآورده شدن آنها شرط لازم (نه کافی) ادامه یافتن حیات تلقی می‌شود. نیاز آدمی به رزق و روزی از بارزترین نیازهای ویژه و نخستین او بشمار می‌آید که برطرف نشدن آن می‌تواند انسان را در سراشیبی نابودی قرار دهد. بقای آدمی منوط به بهره‌مندی وی از روزی می‌باشد و فراهم نشدن آن از جانب خداوند حکیم با حکمت او منافات دارد. شایسته نیست خداوند انسان را بیافریند، اما نیازهای او را در نظر نگیرد و بدون آنکه اسباب ادامه حیاتش را فراهم آورد، او را به حال خود رها سازد. به بیان بهتر، آگاهی خداوند از همه نیازهای بشر، به‌ویژه نیاز وی به روزی، اقتضای مقام ربوبی پروردگار می‌باشد. از این رو در قرآن کریم به تضمین و تکفل روزی‌ها وعده داده شده است.

از سوی دیگر، بهره‌مندی افراد از این نیاز همه‌گیر، «برابر» نیست و برخی دارای «روزی اندک» و گروهی بهره‌مند از «روزی گسترده» هستند. حال با در نظر گرفتن وعده پروردگار در قرآن کریم مبنی بر تضمین روزی‌ها، حکمت این تفاوت‌ها چه می‌تواند باشد؟ آیا به‌راستی این تفاوت‌ها با عدالت الهی سازگار است؟ این پژوهش در پی آن است تا ضمن پاسخ به این پرسش‌ها، فلسفه عدم بهره‌مندی همگان از روزی سرشار را نیز واکاوی کند.

بررسی مفهوم «رزق»

آرا عالمان لغت درباره مفهوم «رزق» نشان می‌دهد که این واژه از نگاه آنان به معانی گوناگونی مانند: «آنچه از آن سود می‌برند» (جوهری، ۱۴۰۷: ۴ / ۱۴۸۱؛ فیروزآبادی، ۱۴۰۷: ۱۱۴۴) «عطا و بخشش» (ابن فارس، ۱۴۱۵: ۴۰۱؛ راغب اصفهانی، ۱۳۸۱: ۳۵۱؛ حسینی کفوی، ۱۴۱۳: ۶۵۴) «غذا و معاش» (زحیلی، ۱۴۲۴: ۶ / ۳۲۶؛ مصطفی، بی‌تا: ۱ / ۳۴۲) «نبوت و علم» (قرشی، ۱۳۷۲: ۳ / ۸۲) و ... تعبیر شده است.

در جمع‌بندی این آرا می‌توان معنای «رزق» را این‌گونه تقریر کرد:

«رزق» عطا و بخششی است که از آسمان فرود آمده است و موجود زنده برای ادامه حیات خود، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از آن بهره‌مند می‌گردد.

این تعریف، تنها مادیات را دربر نمی‌گیرد و اگر مردم واژه «رزق» را منحصر در امور مادی و به خصوص «خوراکی‌ها» تصور می‌کنند، از باب تغلیب و از آن جهت است که کاربرد این واژه در امور مادی ملموس‌تر است؛ آن‌گونه که از تعریف جامع یادشده درباره «رزق» برداشت می‌شود، این واژه را هرگونه تفسیر کنیم، شرط «انتفاع و بهره‌مندی» از آن به قوت خود باقی خواهد ماند؛ (ابن‌خلدون، بی‌تا: ۳۸۱) مادامی که بهره‌مندی از روزی، میسر و ممکن نباشد، به کارگیری تعبیر «رزق» ناصواب خواهد بود.

پس «وسعت و تنگی رزق» و «کثرت مال» دو مقوله جدا از یکدیگر می‌باشند (عیاشی، بی‌تا: ۱ / ۳۳۹) و نباید آنها را یکی قلمداد کرد.

تفاوت روزی‌ها

بهره‌مندی نابرابر همگان از روزی، مسئله‌ای است که قرآن کریم نیز به آن اشاره کرده است:

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ. (زخرف / ۳۲)

آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟! ما معیشت آنها را در حیات دنیا میان‌شان تقسیم کردیم و برخی را بر گروهی برتری دادیم تا دیگران را به خدمت گیرند؛ و حال آنکه رحمت پروردگارت از آنچه جمع‌آوری می‌کنند، بهتر است.

فقره دیگری که این مقوله در آن بازتاب یافته، این آیه است: «وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِّي رِزْقِهِمْ عَلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَفَبِعِنْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ؟» (نحل / ۷۱) و خداوند روزی برخی شما را بر گروهی دیگر برتری داده؛ اما آنها که برتری داده شده‌اند، حاضر نیستند از روزی خود به بردگان‌شان بدهند و همگی در آن برابر گردند؛ آیا نعمت خداوند را انکار می‌کنند؟! اگرچه هنگام سخن گفتن درباره «رزق» این واژه در نگاه نخست به «روزی‌های مادی» منحصر می‌گردد، نص این آیه چنین ادعائی نداشته و

خدای سبحان این واژه را در معنای عام آن به کار گرفته است؛ بدین ترتیب، تلقی معنای خاص از واژه رزق و تفسیر آن به مقوله‌هایی مانند «مال و ثروت» و به‌طور کلی «روزی‌های مادی»، تلقی صحیحی به‌نظر نمی‌رسد؛ از این رو می‌توان فراگیری این واژه در آیه را چنان گسترده دانست که روزی‌های معنوی را نیز شامل شود و حوزه‌هایی چون زیرکی و نادانی، زیبایی و زشتی، خردمندی و بی‌خردی، تندرستی و بیماری و حتی نام نیکو و نام زشت را نیز دربرگیرد. در تفسیر *مفاتیح الغیب* آمده است:

مسئله تفاوت روزی‌ها همچون «دریایی» می‌ماند که کرانه و ساحلی ندارد! بر این اساس، این مقوله دارای چنان گستردگی است که اگر انسان در آن سیری نماید، شگفتی‌اش افزون هم خواهد شد. (رازی، ۱۴۲۰: ۲۰ / ۲۴۳)

اکنون باید فلسفه وجودی این گونه‌گونی در رزق واکاوی شود.^۱ در این زمینه چند دلیل شمرده شده است:

۱. عامل بقای آفرینش

اگر خداوند به همگان روزی همسان بدهد، دیگر نه «ارباب» معنا دارد و نه «برده»، نه «رئیس» و نه «مرئوس» و نه «مستمند» و نه «متمول» (شوکانی، ۱۴۲۰: ۴ / ۶۶۳) در چنین نظامی که همه افرادش به‌لحاظ بهره‌مندی از روزی با هم برابرند، جز فساد، زوال و تباهی باقی نخواهد ماند. زمخشری (۵۳۸ - ۴۶۷ ق) در زمره عالمانی است که «حفظ نظام آفرینش» را دلیل تفاوت روزی‌ها دانسته است؛ وی در تفسیر آیه شریفه: «أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ...» (زخرف / ۳۲) آورده است:

خداوند کسی است که معیشت را میان مردمان تقسیم نمود و آن را بر ایشان تقدیر کرد و مدبرانه و عالمانه، احوال مردمان را با روزی و معیشت‌شان تدبیر فرمود. اما آنها را «برابر» قرار نداد؛ بلکه در مورد روزی آنها تفاوت قائل شد و منزلت مردمان را گوناگون تعیین نمود؛ از این رو برخی آنها را «توانمند» و برخی

۱. به‌رغم شمولیت دامنه «رزق» بر گستره‌ای افزون بر «مادیات»، به‌سبب اطلاق این واژه در کاربرد عموم بر مادیات، رویکرد این نوشتار نیز پرداختن به روزی‌های مادی می‌باشد.

دیگر را «ناتوان»، شماری از آنها را «توانگر» و شماری دیگر را «نیازمند»، گروهی را «ارباب» و بقیه را «برده» مقرر فرمود؛ تا هریک برای برآورده شدن نیازهایش به دیگری روی آورده، در سختی‌ها از دیگری استمداد گیرد و هرکدام دیگری را در کارهایش رام خود سازد؛ تا [غنی و فقیر] از این راه در کنار هم زندگی کرده، پشتیبان یکدیگر باشند و به خواسته‌های خود دست یابند. (۱۴۰۷: ۴ / ۲۴۸)

و در خاتمه این گونه نتیجه‌گیری می‌کند:

اگر خداوند آنها را بدون آنکه در تسخیر یکدیگر درآورد، به حال خودشان رها سازد و از تدبیر امورشان روی برتابد، «تباه» شده، «هلاک» خواهند گردید. (همان؛ نیز ر.ک: رازی، ۱۴۲۰: ۲۷ / ۶۳۰)

بر این اساس، خداوند مدبرانه و حکیمانه، روزی‌ها را نابرابر قرار داده تا برخی از مردم توانمند و برخی دیگر ناتوان باشند و از این رهگذر، گروهی را در تسخیر گروه دیگر درآورد. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱ / ۴۴۷) اگر بنا باشد در جامعه‌ای همگان از روزی هم‌اندازه بهره‌مند شوند، دیگر انگیزه‌ای برای پیشرفت باقی نمانده، این مفاهیم، معنای خود را از دست خواهند داد؛ در چنین وضعیتی، ناکارآمدی عناصری مانند تلاش و کسب و کار در افزایش و کاهش روزی‌ها به باوری فراگیر تبدیل می‌شود (جمالی‌زاده، ۱۳۸۹: ۵۶) که با نهادینه شدن این باور از یکسو و افزون شدن این اعتقاد که انسان در دستیابی به روزی خود هیچ دخالتی ندارد و هرگونه نقش‌آفرینی در آن منتفی می‌باشد از دیگرسو، رفته‌رفته پدیده شوم «رکود و خمود» بر جامعه سایه خواهد افکند و چنین جامعه‌ای راه سقوط و فروپاشی را با شتاب خواهد پیمود. نکته دیگر اینکه، نیازمندی افراد جامعه انسانی به یکدیگر، علاوه بر حفظ بقای نظام آفرینش، بی‌نیازی خداوند را نیز مبرهن نموده، یگانگی و وحدانیت او را به اثبات می‌رساند. (بحرانی، ۱۴۱۶: ۴ / ۸۵۷) به دیگر سخن، مفهوم بی‌نیازی از جمله مفاهیمی است که در اثر به فعلیت رسیدن مفهوم مخالف آن معنا خواهد یافت. در جامعه‌ای که نیازمندی در آن مفهومی غریب بشمار آید، ارزش و مزیت بی‌نیازی درک نخواهد شد. از این رو خداوند از راه نیازمند نمودن نوع بشر (طوسی، بی‌تا: ۱۰ / ۳۸)، فضیلت بی‌نیازی را تنها در وجود خود منحصر نموده که این ویژگی در راستای اثبات یگانگی وی کارآمد می‌باشد.

۲. بستر تجلی آزمون الهی

فرازهای پُرشماری از کلام وحی بر جزمیت وقوع آزمون‌های الهی تأکید دارند. هرگاه سخن از آزمون به میان می‌آید، ابزارها و شرایط برگزاری آن، ذهن را مشغول می‌سازد؛ از جمله بایسته‌ها در به فعلیت رسیدن آزمون، وجود ظرف و مجربایی است که آزمون از بستر آن بروز یابد. مقوله تفاوت روزی‌ها از آن رو که شمولیت دارد، یکی از مهم‌ترین بسترهای وقوع این مهم می‌باشد. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۴ / ۱۲۴؛ طبرسی، ۱۴۱۳: ۲ / ۲۲۴)

هرچند تفاوت روزی‌ها مایه ابتلا بوده، هردو گروه توانگر و نیازمند به واسطه آن سنجیده می‌شوند، آزمون هریک به فراخور احوال آنها خواهد بود؛ توانگران از طریق بخشش و دهش (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲ / ۶۲۰) به نیازمندان و دستگیری از آنان آزمایش می‌شوند. محل ابتلای مستمندان نیز صبر و بردباری (حقی بروسوی، بی تا: ۷ / ۳۸) و پرهیز از ناشکری و ناسپاسی به درگاه الهی خواهد بود.

البته آزمون‌های الهی، بدان جهت انجام می‌شود که انسان به حال حقیقی خویش پی برده، از جایگاه خود در مسیر عبودیت پروردگار و فرمان‌برداری از ذات احدیت شناخت پیدا کند؛ وگرنه خداوند به همه احوال انسان، چه پیش از آزمون و چه پس از آن اشراف کامل دارد و در جهان آفرینش چیزی بر خداوند پوشیده نیست تا در پی رفع ابهام از آن برآید. (بحرانی، ۱۴۱۲: ۱ / ۴۶۲)

نکته دیگر اینکه غافلان و ناآگاهان، گشایش روزی را نشانه برتری تلقی نموده، روزی اندک را نشانه حقارت و خواری برمی‌شمارند. (طریحی، ۱۳۷۵: ۳ / ۴۴۸) قرآن کریم ضمن گزارش باورِ یادشده از زبان این دسته، این تفکر را با استفاده از لفظ «کَلَّا» مردود اعلام می‌کند. (فجر / ۱۷ - ۱۵)

علامه فضل‌الله با کشیدن خط بطلان بر این باور، تفاوت روزی‌ها را بستری مناسب برای جریان یافتن آزمون الهی برشمرده، در تفسیر آیه شریفه «قُلْ إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (سبأ / ۳۶) می‌نویسد:

گشادگی روزی، امتیازی را برای غنی و کمبود و تنگی آن، حقارتی را بر فقیر ثابت نمی‌کند؛ چه اینکه، هر دو وضعیت (تنگی روزی و گشادگی آن) از جانب

خداوند ایجاد شده و درحقیقت، تفاوت روزی‌ها و قبض و بسط آنها از اختلاف حرکت «حکمت» سرچشمه می‌گیرد؛ آن هم بدان سبب که این وسعت و مضیقت‌ها به «صلاح» صاحبان آنها می‌باشد؛ چه اینکه، گاهی نیازمندی و فقر، به جهت آزمودن فقیر است تا خداوند از این طریق، صبر و ایمانش را آزموده و در نتیجه «درجه‌اش» را ارتقا دهد؛ که مسلماً ضیق روزی برای چنین فردی خیر و نیکی تلقی می‌شود؛ اما در مقابل، گاهی استغنا و توانگری برای آزمایش و سنجش شکر و تقوای توانگر است؛ که اگر شکرگزار نباشد، «درجه‌اش» پایین آمده و همچون شری گردنش را خواهد گرفت. (۱۴۱۹: ۱۹ / ۵۶)

بنابراین مقوله گوناگونی روزی‌ها غیر مرتبط و جدای از مقوله فضایل انسانی می‌باشد.

۳. مصلحت آفریدگان

خداوند برپایه مصلحت بندگان، روزی آنان را مقدر فرموده و هر پدیده‌ای در این عالم، برپایه نظامی دقیق و حکیمانه شکل گرفته است. در اندیشه اسلامی، «حکمت پروردگار» امری مسلم می‌باشد (دانش، ۱۳۸۹: ۸۴) که منشأ ظهور هر حرکت و خاستگاه آفرینش هر آفریده‌ای تلقی می‌گردد. خداوند از انجام فعل بیهوده میراست و هریک از پدیده‌های این عالم با هدفی الهی ایجاد شده‌اند و مشیت و اراده پروردگار، برپایه تدبیر حکیمانه‌اش جاری می‌گردد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳: ۴ / ۳۳۰؛ مازندرانی، ۱۴۲۱: ۳ / ۲۷۰؛ مجلسی، ۱۳۷۰: ۲ / ۱۵۵) ازسوی دیگر، مقام ربوبی خداوند این گونه اقتضا می‌کند که حکمتش همواره برپایه مصلحتی (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹: ۵ / ۶۶) جریان یابد؛ (رازی، ۱۴۲۰: ۲۰ / ۳۳۰) ازاین‌رو تفاوت روزی‌ها نیز همچون سایر امور عالم، در گستره حکمت الهی و با اشراف کامل خداوند پدید می‌آید. یکی از دلایل تفاوت روزی‌ها نیز حکمت آفریدگار است که برپایه صلاح بندگان جاری می‌گردد. (خطیب بغدادی، بی‌تا: ۶ / ۱۵ - ۱۴؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۹ / ۴۰) از مجموع سخنان پیش گفته، صحت این ادعا ثابت می‌شود که مؤثر اصلی در عرصه تقدیر - و به تبع آن تفاوت روزی‌ها - حکمت آفریننده و مصلحت بنده می‌باشد. مقام خداوندی، آگاهی به احوال همه بندگان را اقتضا می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۱۳ / ۸۸) و او در افاضه روزی به هریک از ایشان، مصلحت او را در نظر می‌گیرد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت:

اولاً: بر همگان لازم است نسبت به آن روزی که برای آنها مقدر شده، خشنود و تسلیم قضای الهی باشند. (مطهری، ۱۳۷۱: ۹۷) این گونه اعتقاد راسخ و قطعی به حکمت و تدبیر الهی که نتیجه اش «توکل و اعتماد» به خداست، (نیشابوری، ۱۴۰۶: ۴۶۰) ترس از فقر را از میان می برد.

ثانیاً: آنچه خداوند بر پایه حکمتِ مصلحت‌سنجش برای هر کس مقرر فرموده است، قطعی می باشد و تغییر در آن راه نخواهد داشت؛ هر چند وی همه عناصر آفرینش را در جهت زیادت یا نقصان آن بسیج نماید. (ابن حمید، ۱۴۰۸: ۲۱۴)

تفاوت روزی‌ها؛ اثبات عدالت الهی یا نفی آن

اگر اختلاف روزی‌ها با اشراف خداوند و از جانب او ظهور می یابد، آیا تفاوت شگفت‌آور روزی‌ها با عدل و داد الهی سازگار است؟ خداوند در قرآن کریم به تضمین و تکفل روزی‌ها وعده داده است:

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ. (هود / ۶)

هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست؛ مگر آنکه خداوند آرامگاه و ودیعت جایش را می داند و همه چیز در کتاب مبین ثبت است.

این وعده پروردگار سبب شده تا برخی خیال کنند خداوند روزی‌رسان باید بهره همه در رزق را مساوی گرداند که بطلان آن ثابت شد. افزون بر این، وعده تضمین و تکفل روزی‌ها، در اندیشه گروهی دیگر، تلقی طلب کارانه‌ای پدید آورده است؛ از نگاه این دسته، روزی‌رسانی به انسان، امری واجب برعهده خداوند تلقی می گردد. بنابر چنین نگرشی، افزون بر آنکه فرایند روزی‌رسانی، الزامی آشکار بر خداوند است، تفاوت افراد در بهره‌مندی از روزی‌ها نیز گونه‌ای تبعیض به حساب می آید. از این رو این باور در غایت خود، اختلاف روزی‌ها را منافق با عدالت الهی ارزیابی می کند سرزدن آن از ذات حضرت حق را از مقوله ارتکاب «قیح» برمی شمرد.

بطلان این تلقی نیز روشن است. اگرچه این وعده پروردگار، گونه‌ای وجوب را به ذهن متبادر می سازد (تمیمی آمدی، ۱۴۰۵: ۲ - ۱ / ۸۶)، از آنجاکه مجازات خداوند و نفوذ هرگونه

زیان در وجودش ممکن نیست، تصور امر واجب برعهده خداوند نیز محال است؛ ازاین‌رو غزالی تصریح می‌کند:

برخی بر این باورند که آفرینش و مکلف شدن پس از آن بر خداوند واجب است؛ اما برهان حق در این مورد آن است که بگوییم: سخن کسی که می‌گوید: آفرینش و تکلیف پس از آن بر خداوند واجب است، مفهوم نیست؛ ازاین‌رو مفهوم این واژه نزد ما عبارت است از: آنچه برای تارک آن زیان‌آور باشد؛ چه زیان دنیایی و چه آخرتی. یا به دیگر سخن، واجب عبارت از هر چیزی است که نقیضش محال باشد و حال آنکه، زیان در حق خداوند بلندمرتبه محال است. (۱۴۲۱: ۱۹۸ - ۱۹۷)

مقوله وجوب درباره موجودی قابل تصور است که اگر از وجوب عدول نمود، متضرر شود و امکان مجازات وی وجود داشته باشد؛ درحالی‌که وجود خداوند مبرای از زیان و گرفتاری در سختی مجازات است؛ ازاین‌رو روزی‌رسانی، تفضل خداوند است، نه امر واجبی برعهده او؛ به‌علاوه اینکه، اگر بر وجوب عهده‌داری این امر ازسوی خداوند اصرار شود، این مقوله از قبیل وجوب کلامی بشمار خواهد آمد، نه وجوب فقهی.

بر این اساس، آن‌گونه که از معنای تفضل برمی‌آید، نابرابری در مقوله تفضل قابل تصور بوده، محال نمی‌باشد؛ چه اینکه، تفضل‌کننده به‌دلخواه خود، سهم دسته‌ای را افزون و سهم گروهی را اندک مقرر می‌نماید.

با وجود اثبات روزی‌رسانی تفضلی (نه وجوبی) ازسوی خداوند، انجام فعل عبث از او محال است و آنچه انجام می‌دهد، برپایه حکمت می‌باشد؛ چه فهم این حکمت‌ها برای بندگان حاصل شود و چه به چنین معرفتی دست نیابند. (احمدی و پورطالمی، ۱۳۸۹: ۲۵)

اگرچه ثابت شد که حکمت پروردگار براساس مصلحت و منفعت آدمی جریان می‌یابد، از اینکه کدام عنصر، صلاح او را رقم می‌زند، سخنی به‌میان نیامد. بررسی آرا ارائه‌شده در این زمینه نشان می‌دهد استعداد و ظرفیت انسان، عامل تعیین‌کننده مصلحت وی می‌باشد: «بدون شک، اختلافی که در میان انسان‌ها از نظر بهره‌های مادی و درآمدها وجود دارد، قسمت مهمش به تفاوت استعدادهای آنها مربوط است». (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۷: ۱۱ / ۳۱۲)

عده‌ای تفاوت استعدادها و از پی آن تفاوت در روزی‌ها را بر نمی‌تابند؛ اما باید این باور در سرشت انسان نهادینه شود که استعدادهاى مختلف، امرى انتخابی و اختیاری نیست؛ بلکه لازمه دوام نظام آفرینش تلقی می‌شود. تفاوت استعدادها، خاستگاه سلیقه‌ها و قریح گوناگون بشمار می‌آید و تفاوت سلیقه‌ها سبب بروز و ظهور انگیزه‌ها، رفتارها و گفتارهای متفاوت خواهد شد؛ به بیان بهتر، اگر جهانی را فرض کنیم که همه آفریدگان آن دارای استعدادهاى یکسان باشند، آن‌گاه در چنین جهانی:

۱. یکایک افراد این جامعه از روزی یکسان بهره‌مندند؛

۲. همگان انگیزه‌ای واحد دارند؛

۳. از همگان رفتار یکسان سر می‌زند؛

۴. گفتار افراد این جامعه برابر است؛ ...

دست‌آورد چنین جامعه‌ای یکنواختی خواهد بود و سرشت انسان که تنوع‌طلب است، این یکنواختی را بر نمی‌تابد؛ از این رو فرجام چنین نظامی جز تباهی و انحطاط زودرس نخواهد بود. از برآیند مطالب پیش گفته بر می‌آید که تفاوت افراد بشری در استعدادها و توانمندی‌ها طبیعی و ذاتی است و نه تنها نابخردانه تلقی نمی‌شود، به‌طور کامل پسندیده است و هر انسان حقیقت‌نگر بر عقلانی و منطقی بودن آنها صحنه می‌گذارد؛ اما برخی تفاوت‌ها مصنوعی است و هیچ خرد سلیمی آنها را تأیید نمی‌کند. بخشی از تفاوت‌های جسمی و روحی مردم با یکدیگر، معلول اختلاف طبقاتی و مظالم اجتماعی یا سهل‌انگاری‌های فردی است که هیچ‌گونه پیوندی با دستگاه آفرینش ندارد و با از میان رفتن نظام طبقاتی و فراگیری عدالت اجتماعی در سطح جامعه برچیده خواهند شد. شریعت اسلامی هیچ‌گاه و در هیچ‌زمان این‌گونه تفاوت‌ها را تأیید نکرده است. (همان: ۳ / ۳۶۶ - ۳۶۵)

بنابراین اگر اختلاف انسان‌ها در ساختمان روحی و جسمی وجودشان طبیعی و از جانب آفریننده ایجاد شده باشد، مقتضای حکمت و مصلحت‌سنجی پروردگار است و عدالت هیچ‌گاه نمی‌تواند از حکمت جدا باشد؛ اما تفاوت‌های ساختگی در این مقوله جای نداشته، به ضعف و ناتوانی حکومت‌ها در برقراری عدالت اجتماعی بازمی‌گردد.

با توجه به اثبات این حقیقت که ظرفیت و استعداد طبیعی و ذاتی افراد گوناگون است، مصلحت آنان با هم تفاوت دارد و از آنجاکه حرکت حکمت الهی بر پایه مصلحت بشر است، خواست خداوند برای هر یک از افراد بشر، مختص خود او می‌باشد؛ بر این اساس، روزی هر کدام با دیگری تفاوت دارد و این نه تنها با عدالت الهی منافاتی ندارد، از آنجاکه بنابر مصلحت آنان افاضه می‌گردد، تأییدکننده آن نیز می‌باشد.

فلسفه عدم بهره‌مندی همگان از روزی فراوان

از آموزه‌های قرآن کریم چنین برداشت می‌شود که گنجینه‌های نعمت الهی به حدی فراوان است که می‌تواند روزی گسترده‌ای را برای تک تک افراد فراهم نماید. (حجر / ۲۱) اکنون این پرسش به ذهن می‌آید که چرا خداوند، روزی سرشار خود را بر انسان‌ها نمی‌گشاید و آنها را از بسط بی‌حد و حصر روزی محروم می‌دارد؟

پیش‌تر ثابت شد که هرآنچه در نظام آفرینش حادث می‌شود، بر پایه حکمت و مصلحت الهی می‌باشد؛ از سوی دیگر، تفاوت روزی‌ها نیز از این قاعده بیرون نیست؛ پس عدم بارش سیل‌آسای روزی - به‌رغم بی‌انتهای بودن و پایان‌ناپذیری گنجینه فضل و رحمت پروردگار - بی‌سبب نبوده، حکمت و مصلحتی دارد.

در بیان این حکمت و مصلحت می‌توان از کتاب الهی کمک گرفت:

وَكُوْا بَسَطَ اللّٰهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغْوًا فِى الْاَرْضِ وَلَكِنْ يَنْزِلُ بِقَدْرِ مَا يَشَاءُ اِلَيْهِ
بِعِبَادِهِ خَبِيْرٌ بَصِيْرٌ. (شوری / ۲۷)

و اگر خداوند عطایش را بر بندگانش توسعه می‌داد، در زمین ستم می‌کردند؛ اما او آنچه را بخواهد، به اندازه‌ای معین نازل می‌کند؛ همانا او به بندگانش آگاه و بیناست.

با توجه به وجود کشش‌ها و گرایش‌های زیاده‌طلبانه و برتری‌جویانه در سرشت آدمی، روزی گسترده و باریدن نعمت و رحمت و برکت بر انسان، ردایل اخلاقی نهفته در نهاد او همچون خودبزرگ‌بینی را برمی‌انگیزد (رازی، ۱۴۲۰: ۲۷ / ۵۹۹؛ نیز ر.ک: قرشی، ۱۳۷۲: ۳ / ۸۶ - ۸۵) و بساط ستمگری و نافرمانی را می‌گستراند. (قمی، ۱۳۸۷: ۲ / ۲۷۶) بر خداوند قبیح است که

از یک سو، انسان‌ها را به فرمان‌برداری از خود امر کند و از سوی دیگر، بساط نافرمانی را میان آنان بگستراند. از این رو خداوند از سر حکمت و مصلحت‌سنجی خویش، از بروز چنین اختلالی پیش‌گیری نموده و به سبب آگاهی کامل از احوال بندگان، با درایتی حکیمانه روزی هر یک از آنان را تقدیر فرموده است.

نتیجه

فلسفه پیدایش تفاوت در رزق انسان‌ها، حفظ نظام آفرینش، آزمودن صبر و شکر مستمند و توانگر و ملاحظه مصلحت آفریدگان می‌باشد. از آنجا که روزی بر اساس تفضل پروردگار به انسان عطا می‌شود، کسی بر خداوند حقی نداشته، اجازه اعتراض ندارد. از سوی دیگر، حکمت پروردگار، بر پایه صلاح بندگان جریان می‌یابد و عامل تعیین‌کننده در مصلحت و منفعت آدمی نیز استعدادها و ظرفیت‌های طبیعی و ذاتی افراد است و آنچه در جرگه مصنوعات قرار می‌گیرد و محصول مظالم اجتماعی شمرده شود، از این مقوله بیرون خواهد بود. از این رو تفاوت روزی‌ها، نه تنها منافی عدالت الهی نیست، مؤید آن قلمداد می‌شود؛ چه اینکه عدالت الهی اقتضا می‌کند هر کس به اندازه صلاحش از روزی بهره‌گیرد. ضمن اینکه بر خداوند قبیح است همگان را از روزی واسع بهره‌مند نماید؛ زیرا در این صورت از یک سو، تفاوت ظرفیت انسان‌ها را در بهره‌مندی از روزی لحاظ نکرده است و عدالتش با چالش مواجه می‌شود و از سوی دیگر، بهره‌مندی همگان از روزی فراوان، آنان را فاسد نموده، به طغیان و نافرمانی خواهد کشاند. این امر با فلسفه آفرینش انسان، یعنی بندگی و عبودیت منافات دارد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، مشرقین.
۳. ابن حمید، ابو محمد عبد، ۱۴۰۸ ق، المنتخب من مسند عبد بن حمید، قاهره، مکتبة السنة.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، بی تا، مقدمه ابن خلدون، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۵. ابن فارس، احمد، ۱۴۱۵ ق، معجم المقائیس فی اللغة، بیروت، دارالفکر.

۶. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹ ق، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۷. احمدی، فهیمه و منیرالسادات پورطالمی، ۱۳۸۹، «آسیب‌شناسی عبادت از منظر قرآن و حدیث»، *فدک (فصل‌نامه علمی - پژوهشی دین‌پژوهی و کتاب‌شناسی قرآنی)*، ش ۱، ص ۲۷ - ۱۱.
۸. بحرانی، ابن میثم، ۱۴۱۲ ق، *شرح نهج البلاغه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۹. بحرانی، سیدهاشم، ۱۴۱۶ ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت.
۱۰. برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۴۱۳ ق، *المحاسن*، قم، *المجمع العالمی لاهل البیت*.
۱۱. تمیمی آمدی، علی بن محمد، ۱۴۰۵ ق، *الإحکام فی اصول الأحکام*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۱۲. جمالی‌زاده، حسین، ۱۳۸۹، «جایگاه کار در زندگی انسان»، *فدک (فصل‌نامه علمی - پژوهشی دین‌پژوهی و کتاب‌شناسی قرآن)*، ش ۱، ص ۷۴ - ۵۵.
۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷ ق، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت، دارالعلم للملایین.
۱۴. حسینی کفوی، ابوالبقاء، ۱۴۱۳ ق، *الکلیات معجم فی المصطلحات و الفروق اللغویة*، بیروت، مؤسسه الرسالة.
۱۵. حقی بروسوی، اسماعیل، بی تا، *روح البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالفکر.
۱۶. خطیب بغدادی، احمد بن علی، بی تا، *تاریخ بغداد أو مدینة السلام*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۱۷. دانش، جواد، ۱۳۸۹، «تأثیر فضایل و رذایل اخلاقی در معرفت الهی از دیدگاه ملاصدرا»، *پژوهشنامه علمی - پژوهشی فلسفه دین (نامه حکمت)*، ش ۱۵، ص ۱۰۰ - ۷۷.
۱۸. رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۸۱، *مفردات الفاظ القرآن*، دمشق و بیروت، دارالتعلم و دارالشامیة.

۲۰. زحیلی، وهبة، ۱۴۲۴ق، *التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج*، دمشق، دارالفكر.
۲۱. زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الاقاويل في وجوه التأويل*، بیروت، دارالكتاب العربی.
۲۲. سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۴ق، *الدر المنثور في التفسير بالمأثور*، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی.
۲۳. شوکانی، محمد بن علی، ۱۴۲۰ق، *فتح‌القدیر*، بیروت، دارالكتاب العربی.
۲۴. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۸۳، *شرح اصول کافی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۵. طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۳۸۹، *المیزان في تفسير القرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۱۳ق، *الاحتجاج*، قم، اسوه.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۲ق، *مجمع البیان في تفسير القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۸. طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرين و مطلع النیرین*، تهران، مرتضوی.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیان في تفسير القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۰. عیاشی، محمد بن مسعود، بی تا، *تفسير العیاشی*، تهران، المكتبة العلمية الاسلامیه.
۳۱. غزالی، ابوحامد محمد بن محمد، ۱۴۲۱ق، *الاقتصاد في الاعتقاد*، بیروت، دار و مكتبة الهلال.
۳۲. فضل‌الله، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۹ق، *تفسير من وحی القرآن*، بیروت، دارالملاک للطباعة و النشر.
۳۳. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *القاموس المحيط*، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۳۴. فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۴۱۵ق، *تفسير الصافی*، تهران، مكتبة الصدر.
۳۵. قرشی، سیدعلی اکبر، ۱۳۷۲، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۸۷، *تفسير القمی*، نجف، منشورات مكتبة الهدی.

۳۷. مازندرانی، ملا محمد صالح، ۱۴۲۱ ق، شرح اصول الکافی للمازندرانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۸. مجلسی، محمد باقر، ۱۳۷۰، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
۳۹. مصطفی، ابراهیم، و ... [دیگران]، بی تا، المعجم الوسیط، استانبول، المكتبة الاسلامیة.
۴۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۱، انسان و سرنوشت، تهران، انتشارات صدرا.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۷، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
۴۲. نیشابوری، محمد بن فتال، ۱۴۰۶ ق، روضة الواعظین، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

Archive of SID